

DOR: 20.1001.1.26455714.1402.7.2.8.4

# Analyzing the semantic domains of the words "ala" and "nemat" in the Quran According to the principle of "non-reciprocity"

(Received: 2023-01-04 Accepted: 2023-05-08)

Mahdi Ebadi<sup>1</sup>, Mohammad moghtari<sup>2</sup>, Hamed mostafavifard<sup>3</sup>

## Abstract

In this article, the difference between the meanings of the words Alaa and Nemat has been investigated. These two words are used in the Qur'an, but the translators also translated the word "Ala" as "Blessing". If we believe that every word in the Qur'an has its meaning, there must be a difference in the meaning of these two words. Therefore, to understand the conceptual difference between these two words, we conducted this research. After examining the literal and interpretative meanings of these two words, it is understood that the word "Ala" tells the story of the peak of God's mercy and love, which is one of its examples. From this point of view, "Ala" is a blessing. Also, in blessing, the only consideration is the blessing itself from the material or spiritual aspect, external or internal, and [...] But in "ala" in addition to its generality and including all types and examples of "nemat"; It also expresses the attribute of God's power. In the final part, the conceptual commonalities of blessing and blessing with grace, kindness, mercy, and grace were pointed out and the difference in meaning of each was explained. This article has been written using library sources and analytical-descriptive method.

**Keywords:** grace, mercy, gift, semantics, the principle of non-reciprocity

سال هفتم

شماره دوم

پیاپی: ۱۳

پاییز و زمستان

۱۴۰۲

1) Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Medicine, Shahrood University of Medical Sciences, Shahrood, Iran (The Corresponding Author) Email: ebadi@shmu.ac.ir

2) 3rd level scholar of Qur'an interpretation and science, Qur'an and Atrat specialized school, Khorasan seminary. Mashhad, Iran, Email: mohammad\_6120@yahoo.com

3) Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Vali Asr University (Aj), Rafsanjan, Kerman, Iran Email: h.mostafavifard@vru.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

## واکوی معانشاختی «آلاء» و «نعمت» در قرآن

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱-۱۰-۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲-۰۲-۱۸)

مهدی عبادی<sup>۱</sup>  
محمد مختاری<sup>۲</sup>  
حامد مصطفوی فرد<sup>۳</sup>

### چکیده

در این نوشتار به بررسی تفاوت معنای واژه‌ی آلاء و نعمت پرداخته شده است. این دو واژه در قرآن به کار رفته، اما مترجمین، کلمه‌ی «آلاء» را هم به «نعمت» معنا نموده‌اند. صورتی که نوشتار حاضر قائل به این است که هر لفظی در قرآن معنای خاص خودش را دارد، لذا باید در بُن معنایی این دو واژه تفاوتی وجود داشته باشد. بنابراین درصدد است، برای شناخت اختلاف مفهومی میان این دو واژه، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش تحلیلی-توصیفی اقدام به انجام این پژوهش نماید. پس از بررسی معنای لغوی و تفسیری این دو واژه فهمیده می‌شود که کلمه‌ی «آلاء» حکایت‌گر اوج رحمت و محبت خداوند است که یکی از مصادیق آن، نعمت می‌باشد. از این منظر «آلاء» اعم از نعمت است. همچنین در نعمت تنها نظر به خود نعمت از جنبه‌ی مادی یا معنوی، ظاهری یا باطنی و ... می‌باشد. اما در «آلاء» علاوه بر عمومیتی که دارد و شامل همه‌ی اقسام و مصادیق «نعمت» می‌شود؛ بیانگر صفت قدرت خداوند نیز می‌باشد. در بخش پایانی نیز به اشتراکات مفهومی نعمت و آلاء با فضل، احسان، رحمت و عطاء اشاره شد و تفاوت معنایی هر یک تبیین گردید.

**کلید واژه‌ها:** آلاء، نعمت، ترادف، قرآن.

(۱) استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران. (نویسنده مسوول) ایمیل: ebadi@shmu.ac.ir

(۲) دانش پژوه سطح ۳ تفسیر و علوم قرآن، مدرسه تخصصی قرآن و عترت، حوزه علمیه خراسان. مشهد ایران ایمیل: mohammad\_6120@yahoo.com

(۳) استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، کرمان، ایران ایمیل: h.mostafavifard@vru.ac.ir

## ۱. مقدمه

یکی از مهم ترین دانش های اسلامی «علوم قرآنی» است و در میان این علوم نیز آشنایی با مفردات قرآن به معنای شناخت تک واژه های آیات قرآن مجید از اهمیت بیشتری برخوردار است. همچنین تنها منبع و مرجعی است که راه ورود به اعماق معانی و مقاصد عالی آن، درک مفردات و تک واژه هاست. مانند شناخت مجازهای قرآن، تشابهات، وجوه و نظائر، معرّب ها، مشترکات قرآن و بالأخره الفاظ مشکل و غرائب قرآن. در زمینه ی اهمیت و ضرورت آشنایی مسلمانان با مفردات قرآن به ویژه غرائب و آیات مشکل، سفارش ها و روایاتی از معصومین (علیهم السّلام) رسیده است مانند: «إعربوا القرآن و ألتمسوا غرائب» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۸۹، ۱۰۶) اما آن چنان که باید و شاید در این مورد بحث نظری نشده است. لذا در این نوشتار سعی شده با بررسی دقیق دو واژه ی آلاء و نعمت، رابطه ی معنایی میان این دو کشف و بیان شود. مسأله ی وجود واژگان مترادف در قرآن کریم میان لغت شناسان محل اختلاف است. حتی اگر بپذیریم که واژگان مترادف در زبان عربی وجود دارد، نمی توان قائل به وجود چنین واژگانی در قرآن کریم شد. زیرا با نظر به وجود صفت حکمت برای خداوند، معتقدیم هر لفظی در قرآن معنای خاصی را افاده می کند (راغب، ۱۴۱۲ق: ۵۵). از واژگانی که در قرآن کریم استعمال شده است و اکثر مترجمین آن را به یک معنا گرفته اند، واژگان «آلاء» و «نعمت» و «عطاء» می باشد. ظاهر کلمات اهل لغت و تفسیر در معنای «آلاء» و «نعمت» از تشابه معنایی این دو واژه حکایت می کند. همچنین تعلق ذکر به کلمات «آلاء و نعمت» در آیه ی «... فَادْكُرُوا آلاءَ اللَّهِ...» و «... اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ...» و اضافه شدن «آلاء و نعمت» به «الله» تشابه معنایی میان دو واژه را تقویت می کند.

### ۱-۱. سؤالات پژوهش

- ۱- معنای حقیقی واژه آلاء و نعمت چیست؟
- ۲- چه ارتباطی میان مفهوم آلاء و نعمت وجود دارد؟
- ۳- تداخلات مفهومی واژگان آلاء و نعمت با کدام واژگان بوده و قرابت و تمایز آنان کدام است؟

### ۲-۱. پیشینه پژوهش

بحث ترادف از دیرباز میان اهل لغت مطرح بوده که آیا در زبان عربی الفاظ مترادف وجود دارد یا نه؟ در این رابطه دو نظریه وجود دارد. عده ای موافق ترادف و برخی از منکران وقوع ترادف می باشند. اولین بار سبویه در «الکتاب» به مفهوم ترادف اشاره کرده است. وی یکی از اقسام کلام عرب را «اختلاف اللفظین و المعنی واحد» برشمرد و برای آن «ذهب و انطلق» را مثال آورد. (سبویه، ۱۸۰ق: ۲۴/۱) و اولین کسی را که در این زمینه کتاب مستقلی نوشت،

اصمعی را یاد کرده‌اند که به آن «ما اختلف ألفاظه و اتفقت معانیه» عنوان داده بود (رک: منجد، ۶). از اوایل قرن سوم شماری از دانشمندان اسلامی کتاب‌های مستقلی در خصوص اسم‌های متعدد برخی از اشیاء تألیف کردند. آورده‌اند نخستین کسی که با عنوان «مترادف» کتاب نوشت، ابوالحسن رمانی (ت ۱۳۸۴ق) بود و کتابش «الالفاظ المترادفه و المتقاربه المعنی» نام داشت. در خصوص مترادفات قرآن، تنها در دوره معاصر تألیفات مستقلی به منصفه ظهور رسید که مهم‌ترین آنها «الترادف فی القرآن الکریم» اثر محمد نورالدین المنجد و «الترادف فی الحقل القرآنی» اثر عبدالعال سالم مکرّم است. با توجه به آنچه نگارنده فحص نموده‌است؛ پژوهشی که به طور خاص به امعان و بررسی این دو واژه و کشف معانی دقیق هر یک پرداخته باشد وجود ندارد.

## ۲. چارچوب نظری

### ۲-۱. چستی ترادف

واژه‌ی «ترادف» که از «ردف» به معنای «پیرو و دنباله رو» مشتق شده، مصدر باب تفاعل بوده و معنای پیاپی و پشت سر هم را افاده می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ۶۴).

مطابق عقیده‌ی عده‌ای تحقق ترادف بر سه شرط استوار است:

۱. هم‌بستگی جامع میان مفهوم دو واژه؛ ۲. یگانگی محل پیدایش؛ ۳. یکی از دو واژه برآیند تطوّر صوتی واژه‌ی دیگر نباشد (عبدالطوب، ۱۳۶۷ش: ۳۶۳).

همانطور که بیان شد مسأله‌ی وجود واژگان مترادف در قرآن کریم میان لغت‌شناسان محل اختلاف است. اکثر آنان دلیل وجود واژگان مترادف در قرآن را اجتناب ناپذیر بودن وجود واژگان مترادف در هر زبان می‌دانند. سیوطی نیز سبب اصلی پیدایش واژگان مترادف را این می‌داند که بعضاً مردم در قبائل مختلف، لغات گوناگونی را برای معنایی واحد جعل می‌کردند. وی می‌افزاید: البته این امکان وجود دارد که الفاظ متعدد به وضع یک واضع بوده و مقصود او ایجاد طرُق متفاوت برای ابراز معنا باشد (سیوطی، بی تا: ج ۱، ۴۰۵).

در مقابل، برخی همچون ابوهلال عسکری و ابن فارس با نظریه‌ی وجود کلمات مترادف در قرآن به مخالفت برخاسته‌اند. ابن فارس باور دارد؛ از میان نام‌های متفاوت یک مسمی، فقط یکی از آن‌ها اسم و بقیه صفت آن محسوب می‌شوند. وی برای این دیدگاه موارد مختلفی را نیز مثال می‌زند (ابن فارس، ۱۹۶۳م: ۳۰).

برخی همچون زرکشی بحث مترادفات قرآنی را انکار نکرده‌اند. به عنوان نمونه، زرکشی در نوع هفتم از اسلوب‌های تأکید، بحث عطف «أحد المترادفین علی الآخر» را بیان کرده و با این مطلب وجود مترادفات در قرآن را پذیرفته‌است (زرکشی، ۱۳۷۴ق: ج ۲، ۳۸۴).

بنت الشاطی در کتاب «اعجاز بیانی قرآن» می‌گوید: پس از تحقیق و واکاوی در حوزه‌ی

معانی واژگان قرآنی به این مطلب دست می‌یابیم که هر واژه برای رساندن مفهوم ویژه‌ای به کار رفته‌است که هیچ کلمه‌ی دیگری در عرض آن نمی‌تواند بطن معنایی آن واژه را به مخاطب رسانده و مقصود خداوند از استعمال آن واژه را محقق نماید (بنت الشاطی، ۱۳۷۶ش: ۲۲۶). سیوطی به نقل از مخالفان وجود الفاظ مترادف در قرآن بیان می‌کند: اقتضای اعجاز بیانی قرآن کریم این است که هر یک از لغات آن به صورتی منحصر به فرد گزینش شده باشد که جایجایی آن با واژه‌ای دیگر، مستلزم تغییر یا نقص معنایی مفهوم واژه‌ی پیشین باشد (سیوطی، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ۷۲۵).

در مقابل، برخی هرچند با عقیده‌ی گروه سابق در اعجاز بیانی قرآن هم‌نظر هستند؛ اما معتقدند تنها به سبب تفاوت معنایی واژگان نیست که امکان جایجایی کلمات قرآن با الفاظ به ظاهر هم‌معنا وجود ندارد، بلکه ممکن است عدم جایجایی دلایل دیگری همچون تنوع در سخنوری و رعایت آهنگ کلام داشته باشد (نکونام، ۱۳۸۴ش: ۹۶). اگر چه این باور در ابتدای امر ممکن است مورد پذیرش واقع شود؛ اما هنگامی درستی آن ثابت می‌شود که مصادیق آن مورد واکاوی قرار گرفته و از لحاظ معنا هیچ‌گونه تفاوتی بین کلماتی که ادعای ترادف در آنان شده، به چشم نخورد.

با توجه به آنچه بیان شد، نظریه‌ی مترادف نبودن واژگان قرآنی به واقع نزدیک‌تر می‌باشد. برای تبیین بیشتر در زمینه‌ی این مسأله به بررسی دو واژه‌ی «آلاء و نعمت» که اکثر مترجمان و مفسران آن دو را مترادف خوانده‌اند، می‌پردازیم تا حقیقت معنایی این دو روشن گردد.

### ۳. بخش تطبیقی پژوهش

در این بخش با استفاده از نظر لغت‌شناسان، همچنین با کمک از دیدگاه مفسران و کاربرهای قرآنی دو مفهوم «آلاء» و «نعمت» به بررسی این دو واژه خواهیم پرداخت.

#### ۳-۱. مفهوم شناسی واژه «آلاء»

جوهری واژه‌ی «آلاء» را به مفهوم «خصال صالحه» یا «خصال جمیله» معنا کرده که در واقع به معنای توانایی‌های محبوب و نیکو است. (جوهری، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۶۳) «آلاء» جمع «إلی، آلی، ألاً، یا «إلی» با کسره یا فتحه‌ی همزه به معنای نعمت‌هاست. (فراهیدی، ۴۰۹: ج ۱، ۹۹). طریحی آلاء را به معنای نعمت‌های ظاهری و نَعْماء را نعمت‌های باطنی می‌داند (طریحی، ۱۳۷۵ش: ج ۱، ۲۹). آلاء به معنای نعمت‌ها می‌باشد (ابن فارس، ۱۴۱۴ق: ۱۸۳). بر اساس این نظر «آلاء» اعمّ از «نعمت» بوده و قهراً کلمه‌ی «نعمت» اخصّ از آلاء است.

از بیان مصادیق «آلاء» در سوره الرَّحْمَن می‌توان چنین برداشت کرد؛ هرگونه فضل، احسان، خیر و رحمت مادی، معنوی، ظاهری و باطنی از مصداق‌های «آلاء» به شمار می‌رود و معنای جامع آن هر چیزی است که به رحمت و عطف خدا برمی‌گردد؛ بنابراین مفهوم

«إلی» با «نعمت» مترادف نیست. (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ج ۱، ۱۲۴، ۱۲۳)

جوهری واژه‌ی «آلاء» را به مفهوم «خصال صالحه» یا «خصال جمیله» معنا کرده که در واقع به معنای توانایی‌های محبوب و نیکو است. (جوهری، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۶۳) صاحب المحيط فی اللغه پس از آنکه «الی» را به معنای نعمت می‌گیرد، اضافه می‌کند: آلاء به معنای خصال صالحه نیز می‌باشد. در پرسش از ویژگی اسب کسی می‌گویند: کیف آلاء فرسک؟ که سؤال از کفایت و جرأت آن اسب است (عباد، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۲۶۳).

بعضی از اهل لغت یکی از معانی «ألو» را استطاعت و توانایی می‌دانند، از جمله آنها زبیدی است که در ذیل همان ماده آلاء پس از ذکر معنای نعمت، گفته: «هو یألو هذا الامر ای یطیقه و یقوی علیه» (زبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۹، ۱۶۴)

برخی واژه‌ی «آلاء» را از الفاظ اضداد دانسته‌اند که علاوه بر مفهوم سستی و قصور، به معنای شدت، قوت و قدرت نیز آمده‌است. در چندین کتاب لغت از جمله تهذیب اللغه، لسان العرب و الاضداد از ابوالهیثم که از بزرگان ادب عربی در قرن چهارم بود، نقل کرده‌اند که گفته: «الألو من الاضداد، ألا یألو إذا افتر و ضعف و ألا یألو إذا اجتهد». همچنین ابن سکین هم آن را از الفاظ اضداد دانسته و گفته: ألا ای اذا جهد و اذا قصر (ابن سکیت، ۱۹۱۲م: ۲۲۳) در برخی کتب تفسیر واژه‌ی «آلاء» در مفهوم نعمت (مفرد) (مقاتل، ۱۵۰ق: ج ۲، ۴۵؛ مکی بن حموش، ۱۴۲۹ق: ج ۴، ۲۴۲۱؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ۱۴۷ و [...] یا به نعمت‌ها (جمع) معنا شده‌است (ثعلبی، ج ۴، ۲۴۵؛ ابوالفتوح رازی، ج ۸، ۲۵۱؛ میبدی، ج ۳، ۶۴۹ و [...]).

برخی از مفسران معنای «عطاء» را در تبیین واژه‌ی «آلاء» بیان کرده و مفرد آن را «الأ»، «ألی» و «إلی» می‌دانند. (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۱۱۷؛ خویی، ۴۳۰ق: ج ۴، ۴۴۵) در تفسیر سمرقندی بیان شده‌است: «الآلاء ایصال النعم، و النعماء دفع البلیه و قال بعضهم علی ضد هذا» (سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ۵۲۷)

واژه «آلاء» جمع «ألا» که گاهی به کسر همزه «إلا» استعمال شده‌است، در اصل به معنای بلوغ و رسیدن است که در مفاهیم مختلف از جمله: تصمیم، عهد، قسم، استطاعت، اظهار قدرت و مهربانی، نعمت، پایان کار و کوشش کاربرد دارد. از آن‌جا که «نعمت» بازگشتش به ظهور رحمت و نهایت عطوفت و مهربانی است؛ این کلمه‌ی «آلاء» به جای نعمت استعمال شده‌است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۰۷).

قشیری بر این باور است که نعمت همانند صفت رحمان شامل تفضل‌های عام پروردگار است که دربرگیرنده‌ی همه‌ی انسان‌هاست. اما آلاء همانند صفت رحیمیت خداوند است که تنها مؤمنان را در بر می‌گیرد. خواه بلا و عذاب باشد جهت امتحان و آمرزش گناهان و خواه نعمت‌های ظاهری مادی در دنیا و آخرت باشد (قشیری، ۲۰۰۰م: ج ۱، ۵۴۵).

در تفسیر روایی نور الثقلین روایتی از امام صادق (علیه السلام) بیان شده که می‌فرماید:



«أَعْظُمُ آلاءِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَلَا يُتَنَّا» (حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ۴۴) از جمله کسانی که واژه آلاء را برای بیان معنای قدرت دانسته، فخررازی است. همچنین در جایی گفته آلاء به معنای عجایب قدرت خداوند است نه بیان نعمت‌ها (فخررازی، ۱۴۲۰ق: ج ۲۹، ۳۴۹).

در این باره یکی از اکابر علمای شبه قاره هند به نام عبد الحمید فراهی (متوفای ۱۳۴۹ق) در کتاب خویش به نام «مفردات القرآن» شرح جامعی دارد. او با اقرار به اینکه اهل لغت اتفاق کرده‌اند که واژه‌ی «آلاء» به معنای نعمت است، می‌گوید: آیات قرآن و اشعار عرب آن را رد کرده و ظاهر مکتوبات آن است که آلاء به معنای کارهای شگفت‌انگیز که به قدرت و استطاعت نیازمند است، اطلاق می‌شود. سپس می‌گوید: «چون کارهای خدا غالباً از باب اعمال قدرت است (که از این طریق؛ رحمت، تفضل، خیر و عطای خویش را به مردم می‌رساند)؛ گمان کرده‌اند که آلاء به معنای نعمت می‌باشد» (فراهی، ۲۰۰۲م: ۱۲۶) سپس آیه ۵۵ سوره نجم را گواه بر ادعای خود آورده «فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى» و می‌گوید: «این آیه پس از ذکر هلاکت گروهی از اقوام پیشین بیان شده و یقیناً نمی‌تواند به مفهوم نعمت باشد». همچنین شواهدی از اشعار عرب در عصر جاهلی نقل می‌کند که در آنها کلمه‌ی «آلاء» به معنای قدرت و خصلت‌های نیکو است (همان، ۱۳۳-۱۳۴). از جمله این شعر خنساء از شعرای زن جاهلی که در مرثیه برادرش سروده:

فَبِكَيْ أَخَاكَ لِأَلَاءِهِ إِذَ الْمَجْدِ ضَمِيْعَهُ السَّائِسُونَ

## ۲-۱-۳. «آلاء» در آیات قرآن

این کلمه تنها به صورت جمع، ۳۴ بار در قرآن مجید آمده‌است (قرشی، ج ۱، ۱۰۵).

۱- خداوند در سوره اعراف آیه ۶۹ می‌فرماید: «أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

۲- همچنین در آیه ۷۴ سوره اعراف می‌فرماید: «وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سَهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»

در این دو آیه که واژه «آلاء» در عبارت شبیه به یکدیگر، (فاذکروا آلاء الله) به کار رفته‌است، همگان مفهوم نعمت را برداشت کرده‌اند.

۳- در آیه ۵۵ سوره نجم می‌فرماید: «فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى».

در این آیه واژه آلاء پس از ذکر هلاکت کافران آمده‌است که چنانچه به معنای نعمت باشد، هلاکت کافران برای مؤمنان نعمت می‌باشد. و اگر به معنای قدرت و توانایی پروردگار باشد، به صورت استفهام انکاری مطرح شده‌است.

۴- در ۳۱ آیه از سوره الرحمن می‌فرماید: «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ»

بیشتر مفسران و مترجمان واژه‌ی «آلاء» را در این آیه به معنای نعمت گرفته‌اند. نخستین فرد از مفسران قدیم که مفهوم «آلاء» را در معنای قدرت می‌داند، عبدالرحمن زیدبن‌اسلم (متوفای ۱۸۲) معروف به ابن زید است. او در تفسیر آیه‌ی «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» پس از آنکه خودش «آلاء» را به معنای نعمت‌ها می‌گیرد، از ابن زید نقل می‌کند که «آلاء» به معنای قدرت است (طبری، ج ۲۷، ۷۳). همچنین قرطبی این معنا را از ابن زید و کلبی و ترمذی نقل کرده‌است (قرطبی، ۱۳۶۴ش: ج ۱۷، ۱۵۹).

### ۳-۲. مفهوم شناسی واژه «نعمت»

واژه نعمت از ریشه «ن ع م» اخذ شده و ۱۴۴ مرتبه در قرآن کریم آمده‌است. برخی از لغت‌شناسان، نعمت را مصدر نوعی می‌دانند (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ج ۱۲، ۱۶۱؛ ازهری، بی‌تا: ج ۳، ۹) و برای واژه نعمت معانی متفاوتی مانند؛ احسان، نیکی، مال و روزی (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۱۶۱) حالت نیک و پسندیده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۱۴) رفاه و آسایش، به ناز و نعمت رسیدن و منت (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۱۲۵) و آنچه به فرد بخشوده می‌شود (جوهری، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۲۰۴۱) بیان شده‌است. ماده «ن ع م» و مشتقات آن ۳۴ مرتبه در قرآن به‌کار رفته‌است. آنچه بیشتر در مفهوم نعمت برشمرده‌اند، حال نیکو داشتن، لذت زندگی، طیب و حسن العیش و الحال است. در مقابل، «بؤس» که به معنای مطلق شدت و تنگنا می‌باشد. «ضرر» و شری که متوجه شیء می‌شود از مصادیق بؤس است که موجب سلب آن گوارایی و خوشی، یعنی نعمت می‌شود (عبدالباقی، ۱۴۰۸ق: ۷۱۲)

در قرآن علاوه بر واژه‌ی نعمت، واژه‌هایی چون آلاء، احسان، فضل، رحمت و عطا نیز به کار رفته که معنای آن‌ها به مفهوم نعمت نزدیک است. آقای مصطفوی بر این باور است که آنچه در مفهوم نعمت، اهمیت داشته و مورد نظر خداوند بوده، جهت صدور آن از سمت فاعل است (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ج ۱۲، ۱۷۹). «نِعْمَةٌ» اسم از فعل «أَنْعَمَ» است (ازهری، ج ۳، ۱۱) و معنای آن مال یا رزق مادی یا معنوی است که خداوند به بندگانش عطا می‌نماید. (ابن درید، ۱۹۸۸: ج ۲، ۴۴۹). جمع «نِعْمَةٌ»، «نِعَمٌ» است (فیومی، ۱۴۱۴: ۶۱۴). برخی صاحب نظران گفته‌اند: «نعمت» حالت پسندیده همراه با آرامش بوده و کلمه‌ی «انعام» به معنای احسان به دیگری است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ۸۱۵).

صاحب التحقیق در جمع‌بندی مفهوم نعمت بیان می‌کند: «معنای حقیقی ریشه‌ی «نعمت» در معیشت نیک و حسن آرامش به‌کار می‌رود؛ اعم از این که مادی یا معنوی باشد؛ همچنین آنچه به سبب آن، زندگی نیکو و پسندیده به‌وجود آید (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ج ۱۲، ۱۷۸) با در نظر گرفتن آنچه واژه‌شناسان در تبیین معنای نعمت گفته‌اند و تأمل در کاربردهای آن می‌توان گفت که در مفهوم این کلمه، سه مفهوم، «لطافت و سازگاری با طبع» «کثرت و



فراوانی» و «دارا بودن درک و شعور دریافت کننده» مورد نظر است. بنابراین «نعمت» بر وزن «فعله» اسم مصدر است که دلالت بر نوع خاصی از آسایش و رفاه دارد.

ذیل آیهی «... اذکروا نِعْمَتِی الَّتِی اَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ...» بیان کرده: «نعمت» به معنای منفعتی است که به انسان رسیده و مقتضای آن نعمت، سپاسگزاری دریافت کننده‌ی نعمت از صاحب نعمت است (دینوری، ۱۴۲۴ق: ج ۱، ۱۴۴) برخی ذیل آیهی «صِرَاطَ الَّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ...» گفته‌اند: «نعمت» بر وزن «فعله» بیانگر مجموعه‌ای از حالاتی همچون؛ آسایش، حسنه و نیکی بوده که مصداقش لذات حسی می‌باشد. سپس در لذات معنوی مفید نیز استعمال شده‌است؛ هر چند فردی که از آن لذت‌های مادی و معنوی بهره‌مند شده احساس نکرده و ملتفت نباشد (ابن عاشور، ۱۹۸۴م: ج ۱، ۱۹۱).

مفهوم نعمت گاهی در تقسیم‌بندی آن تاثیر گذار است. گاهی مفهوم نعمت از حیث صدورش که از سوی موجود برتر و بالاتر اعطاء می‌گردد، ملاحظه می‌شود. بر این اساس به یک اعتبار به سه دسته ظاهری، باطنی و پنداری (جوادی آملی، ۱۳۷۸ش: ج ۱، ۵۱۵) و به اعتبار دیگر به دو دسته دنیوی و اخروی طبقه‌بندی می‌گردد. (بیضاوی، ۱۴۰۲ق: ج ۱، ۳۰) علامه طباطبائی حُسن و نیکویی نعمت را به فراخور نیازمندی‌های انسان به کمالات جسمی و روحی، به دو گروه تقسیم می‌نماید. اول مؤمنین به خدا و پیامبر (صلی الله و علیه و آله)، که از هر دو نعمت جسمانی و روحانی بهره‌مند خواهد شد. دوم کافران با نظر به صفت رحمانیت خداوند تنها می‌توانند به نعمت‌های مادی دست‌یابند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۲، ۳۱۷). طبرسی اصل معنای نعمت را فزونی می‌داند و می‌فرماید: حقیقت و اصل نعمت فراوانی و زیادی می‌باشد (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱، ۱۰۸). برخی مفسران به ذکر مصادیق نعمت پرداخته و متعرض معنای آن نشده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ۸۶).

خداوند در آیه ۲۰ سوره لقمان می‌فرماید: «الَّذِی تَرَوْا اَنَّ اللّٰهَ سَخَّرَ لَکُمْ مِمَّا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ وَاَسْبَغَ عَلَیْکُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَنْ یُّجَادِلُ فِی اللّٰهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًی وَلَا کِتَابٍ مُّنبِیْرٍ» در این آیه سخن از نعمت‌های ظاهری و باطنی به میان آمده که دیدگاه‌های متفاوتی در این باره وجود دارد. برخی گفته‌اند: مراد از نعمت باطنی نعمتی است که بدون دقت و مطالعه، قابل فهم نیست (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱، ۵۰۱). و بعضی گفته‌اند: نعمت‌های ظاهری نعمت‌های انکار ناپذیرند، مانند: آفرینش، زندگی و توانمندی، شهرت و دیگر انواع نعمت‌ها؛ اما نعمت باطنی نعمتی است که جز بر اهل تدبیر و تعمق مکشوف نخواهد بود (طوسی، ۱۳۸۱ش: ج ۸، ۲۸۱).

زمخشری شاخص تمایز نعمت ظاهری و باطنی را شهود حسی قرار داده و می‌گوید: نعمت ظاهری هر آن چیزی است که قابل مشاهده باشد؛ اما نعمت باطنی چیزی است که با دلیل و برهان روشن می‌شود و یا اصلاً معلوم نمی‌شود (زمخشری، ۱۴۱۴ق: ج ۳، ۲۱۴).

در روایات اهل سنت، از پوشش عیوب و گناهان، اعتقاد و معرفت قلبی، شفاعت، یاری توسط ملائکه، ایجاد ترس در قلوب کفار و محبت رسول خدا به عنوان نعمت‌های باطنی یاد شده است (بغوی، ۱۴۲۰ق: ج ۳، ۵۹۰). در تفاسیر روایی امامیه نیز از ولایت اهل بیت و امام غائب به نعمت باطنی تعبیر شده است (بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۴، ۳۷۶)

در جمع‌بندی این اقوال می‌توان چنین گفت که منافاتی میان آنها وجود ندارد و هر کدام یکی از مصداق‌های نعمت را بیان می‌کنند. بنابراین، نعمت مجموعه‌ی اموری است که موجب آرامش جسم و روح در دنیا و سبب سعادت ابدی انسان در آخرت می‌شود.

### ۳-۲-۱. واژه «نعمت» در قرآن

گفته شد که ریشه «ن ع م» ۱۴۴ بار در قرآن آمده است. در ۵۵ مورد، اشتقاقیات این ماده در قرآن ارتباطی با نعمت ندارند. (مشتقاتی مانند نِعْم، نِعْمًا، نَعْم و نَعْمًا). از این رو تنها ۸۹ مورد باقی می‌ماند.

این موارد در دو ساختار فعلی و اسمی به کار رفته‌اند: ساختار فعلی آن شامل ۱۸ مورد می‌شود. یک مورد در باب تفعیل (نَعَّمَه) است، و سایر فعل‌ها در باب افعال استعمال شده‌اند. ۷۱ مورد دیگر نیز که ساختار اسمی دارند، به صورت‌های گوناگونی به کار رفته‌اند:

۱. مصدر: شامل «نَعْمَه» (۲ بار)، «نِعْمَه» (۴۷ بار) و «نَعْمَاء» (۱ بار). جمع این حالت، ۱ بار به صورت «نِعْمَه» و ۲ بار به «أُنْعَم» ذکر شده است.

۲. صفت مشبّهه «نَعِیم» (۱۷ بار) و اسم فاعل «نَاعِم» (۱ بار).

گاهی در قرآن واژه‌ی نعمت به لفظ الله اضافه شده است مانند: نعمه الله و أنعم الله و گاهی با واژه رب مانند: نعمه ربی و بنعمه ربک. در برخی موارد لفظ نعمت با اضافه به ضمیری که مرجع آن خداوند است ذکر شده است. مانند: نعمته، نعمتی و ...

لازم به ذکر است که در یک مورد از زبان حضرت موسی (علیه السلام) خطاب به فرعون، نعمت به غیر خدا نسبت داده شده است: «و تلک نعمه تمنها علی»، که آن را جمله‌ای سؤالی، و نه خبری، دانسته‌اند. بنابراین قرآن هیچ‌گاه نعمت را به غیر خدا نسبت نمی‌دهد (طباطبائی، ۱۳۹۳ش: ج ۱۵، ۲۶۵).

### ۳-۳. افتراقات و اشتراکات معنایی

#### ۳-۳-۱. افتراقات «آلاء» و «نعمت»

از مطالبی که بیان شد این مسأله آشکار می‌شود که «آلاء» مرادف با «نعمت» نیست، بلکه هر آنچه از مصادیق کامل شدن رحمت و رسیدن به اوج آرامش باشد اطلاق این واژه بر آن صحیح است؛ خواه این امر با به وجود آمدن نعمت‌های ظاهری و باطنی تحقق یابد و

یا با نعمت‌های دنیایی و آخرتی.

در این زمینه گفته اند: فرق بین آلاء و نعمت در این است که آلاء آن نعمتی است که پی در پی و همه جانبه باشد. همچنین گفته شده الیّی مقلوب از الّی است به معنای شیء زمانی که بزرگ شود. بنابراین آلاء، اسمی است برای نعمتی عظیم (عسکری، ۱۴۰۰: ص ۶).

پس مصادیق آلاء در این آیات مختلف است و معنایی که در بر گیرنده‌ی همه‌ی این مصادیق باشد، مفهوم نهایت لطف و اوج احسان، اظهار رحمت و کوتاهی نکردن است (مصطفوی، ۱۳۶۴ش: ج ۱، ص ۱۲۳). با توجه به مطالب یادشده می‌توان فرق «آلاء» با «نعمت» را از این چنین بیان کرد:

«آلاء» تنها به صورت جمع در قرآن آمده و مفرد آن در قرآن ذکر نشده است. این خود نشانگر آن است که یک نعمت را آلاء نمی‌گویند. بلکه آلاء در برگیرنده‌ی مجموعه‌ی نعمت‌های الهی است. همچنین در لغت و قرآن، فعلی که از ماده‌ی «آلاء» و به معنای انعام باشد، به کار نرفته است؛ علاوه بر این کاربرد «نعمت» و مشتقات آن در قرآن و لغت بیشتر است و ماده‌ی «نعمت» و «مَنَّة» نیز در قرآن آمده است.

همان‌گونه که صاحب التحقیق بیان کرد، واژه‌ی «آلاء» اعم از «نعمت» است؛ زیرا کلمه‌ی «آلاء» بیشتر در سوره‌ی الرّحمن تکرار شده است و چون آغاز سوره، نام و صفات الرّحمن است، آنچه در آیات بعدی آمده است، مظاهر و مصادیق رحمت خدا می‌باشد و روشن است رحمت خدا از نعمت و انعام خدا به معنای احسان او وسعت و قلمروی بیشتری دارد و قهراً لفظ «آلاء» اعم از «نعمت» خواهد بود. در استفهام‌هایی که در سوره‌ی الرّحمن مطرح است «فبأی آلاء ربّکما تکذّبان؟» خداوند کلمه‌ی آلاء را جایگزین کلمه‌ی نعمت کرده است. به این خاطر که نشان دهد استفهام از مجموعه‌ی نعمت‌ها و الطاف الهی است. نه تنها از همان نعمتی که ذکر شده است. همانطور که برخی از لغت‌شناسان و مفسران اشاره کردند، مفهوم قدرت و استطاعت نیز در معنای «آلاء» وجود دارد که تفضل نعمت از جانب خداوند نیز بیانگر قدرت او نیز می‌باشد. بنابراین از این جهت نیز می‌توان میان نعمت و «آلاء» تفاوت قائل شد که در نعمت تنها نظر به خود نعمت از جنبه‌ی مادی یا معنوی، ظاهری یا باطنی و ... می‌باشد، اما در «آلاء» علاوه بر عمومیتی که دارد و شامل همه‌ی اقسام و مصادیق نعمت می‌شود، بیانگر صفت قدرت خداوند نیز می‌باشد. مؤید این معنا مصادیقی است که در سوره‌ی الرّحمن بیان شده و حکایتگر قدرت و تسلط خداوند بوده و با این حال در استفهام انکاری خداوند به جای واژه‌ی نعمت، واژه‌ی آلاء را به کار برده است.

مرادف نبودن واژه‌ی «آلاء» و «نعمت» و عمومیت آلاء نسبت به نعمت و مضمون قدرت در آلاء با تدبّر و دقّت در مصادیق «آلاء» در سوره‌ی الرّحمن ظاهر می‌شود: در آیه ۱۷ به ربوبیت پروردگار نسبت به تمام حیطة‌ی هستی اشاره کرده و می‌فرماید: «رَبُّ الْمُسْرِقِينَ وَ

رَبُّ الْمَغْرِبِينَ (۱۷) فَبِأَيِّ آلَاءِ...» در آیه ۲۰ به حایل میان دو دریای شیرین و شور اشاره می‌کند که مانع از مخلوط شدن آن دو می‌شود. این نشان از قدرت پروردگار دارد که پس از آن با استفهام قراری از واژه‌ی آلاء استفاده می‌کند. «بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» (۲۰) «فَبِأَيِّ آلَاءِ...» آیات ۲۶، ۲۷ و ۳۱ نیز اشاره به قدرت پروردگار و حاکمیت او پس از نابودی همه موجودات دارد که با واژه‌ی آلاء مورد استفهام قرار گرفته‌است. «كُلٌّ مِّنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَ يَبْقَى وَجْهٌ رَبُّكَ...» (۲۶ و ۲۷) «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا...» «سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ (۳۱) فَبِأَيِّ آلَاءِ...»

در آیه ۳۳ صریحا به هم‌آورد طلبی در مقابل قدرت خداوند پرداخته و عجز گروه انس و جن را نسبت به گریختن از مقام پروردگار به رُخ ایشان کشیده و سپس با واژه‌ی آلاء استفهام خود را بیان کرده و می‌فرماید: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ» (۳۳) «فَبِأَيِّ آلَاءِ...» در آیات ۳۵، ۳۷ و ۳۹ به حوادث قیامت و عذاب‌های جهنم اشاره می‌کند که همگی با قدرت پروردگار واقع می‌شود و هیچ جای تکذیب ندارد. يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوْاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ (۳۵) «فَبِأَيِّ آلَاءِ...» فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ (۳۷) «فَبِأَيِّ آلَاءِ...» فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ (۳۹) «فَبِأَيِّ آلَاءِ...» يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالْأَوْصِي وَالْأَقْدَامِ (۴۱) «فَبِأَيِّ آلَاءِ...»

بنابراین، دیدگاه عدم مترادف «آلاء» و «نعمت» از تکیه‌گاه‌های ادبی و قرآنی کافی بهره‌مند بوده و شواهد شعری نیز به عنوان مؤیدات آن قرار می‌گیرد. همچنین نظریه‌ی مترادف نبودن واژگان قرآن نیز گواه بر وجود تفاوت‌هایی میان بُن معنایی دو واژه و کاربست زیباشناختی آنان در قرآن کریم می‌باشد. علاوه بر این، سیاق آیات سوره الرحمن و آیه سوره نجم که «آلاء» را، همزمان در دو ساحت اشاره به مظاهر لطف و رحمت و مظاهر قهر الهی به کار برده‌است، بیانگر آن است که این واژه فراتر از نعمت است و امتیاز این دیدگاه آن خواهد بود که احتیاجی به توجیه آیات مربوط به قهر، عذاب و قدرت الهی نبوده و آن‌ها نیز به طور مستقیم مصداق «آلاء» قرار خواهند گرفت.

### ۲-۳-۲. مشترکات معنایی با آلاء و نعمت

#### ۱-۲-۳ «فضل»

فضل بر زیادی در چیزی دلالت می‌کند. افضال به مفهوم احسان نیز می‌باشد (ابن فارس، ۱۳۶۳ق: ج ۴، ۵۰۸). مفردات واژه‌ی «فضل» را به معنای هر آنچه که زیاده از اقتصاد و میانه باشد آورده‌است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷ش: ۳۸۳). در مجمع البحرین نیز «فضل» به معنای زیادتی و افزونی آمده‌است (طریحی، ۱۳۹۵ق: ج ۵، ۴۴۳). ابن منظور می‌گوید: «فضل یک امر محبوب است و ضد آن نقص و نقیصه و جمع آن فضول می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۰۸ق:

ج ۱۰، ۲۸۰) در کتب لغت آمده «فضل» ضد کمی و کاستی است و «فَضْلَه» یعنی او را تفضیل داد بر دیگری به این معنا که مزیتی را برای او تثبیت یا خصلتی که او را از دیگران متمایز کند اعطا نمود (زبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۵، ۵۷۷).

در مفهوم اصطلاحی؛ فضل به مفهوم فزونی، برتری و مقدار زاید بر میزان معمول است. ولی به طور کلی تمام الطافی را که خداوند در حق بندگان مبذول داشته شامل می‌شود. از این جهت که هر نعمتی از جانب خداوند که به انسان می‌رسد، فراتر از شایستگی او بوده و اضافه بر حد طبیعی آن است، فضیلت محسوب می‌شود. در واقع فضل اشاره به نعمت عام الهی است که به دوست و دشمن ارزانی می‌دارد (شریعتمداری، ۱۳۷۵ش: ج ۳، ۴۷۱). همچنین بیان شده فضل، عنایتی بیش از نیازهای اولی و فراتر از استحقاق انسان است. (طالقانی، ۱۳۶۰ش: ۲۳۶)

### ۲-۲-۳ «احسان»

«احسان» مصدر باب «افعال» از ریشه «ح س ن» است. «حُسن» در مقابل «سُوء» (بدی و بد شدن) و نیز «قبح» (زشتی و زشت شدن) قرار دارد (ابن فارس، ۱۳۶۵ق: ج ۲، ۵۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۰ش: ج ۲، ۲۲۲) واژه حُسن باتوجه به کاربرتش در معنای اسم مصدری، معنای نیکی، جمال، خوبی، شایستگی، و ... را می‌رساند. (زبیدی، ۱۳۹۷ق: ج ۱۸، ۱۴۰؛ شرتونی، ۱۹۹۲م: ج ۱، ۶۴۹). به طور کلی حسن و مشتقات آن برای توصیف اموری استعمال می‌شود که دارای جمال عقلی، روحی، عاطفی یا حسی بوده و سبب به وجود احساس رضایت، آرامش و شادابی در افراد شده و او را به خود مشغول می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۳۷). واژه احسان نیز که از ریشه حسن است، در مقابل آن کلمه «أَسَاءَه» می‌باشد. «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا...» (اسراء، ۷).

ابن منظور می‌گوید: مادهی «حسَن» در باب افعال غالباً با حرف «الی» استعمال می‌شود. همچنین با حرف «لام» و «یاء» نیز کاربرد دارد که به معنای خوبی کردن به کسی است و نیز بدون حرف اضافه که مفهوم آن «کار نیکو کردن و نیز انجان دادن نیکو و شایسته یک کار در شکل کامل آن می‌باشد» (ابن منظور، ۱۳۶۳ق: ج ۳، ۱۷۹).

### ۳-۲-۳ «رحمت»

«رحمت» عبارت است از تفضل و مهربانی به کسی که نیازمند است (جوهری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ۲۲۱). «رحمت» و «نعمت» را مترادف خوانده‌اند (نکونام، ۱۳۸۴ش: ۹۸) در صورتی که آوردن «رحمت» و «نعمت» تنها از جهت تنوع در سخن نیست و عمده‌ترین تفاوت معنایی دو واژه مذکور در این است که در رحمت، لطف و مهربانی با قید نیازمندی طرف مقابل می‌باشد. ولی در دادن نعمت، چنین شرطی نیست. به عنوان مثال: چنانچه به فردی که نیاز

ندارد، چیزی داده شود، می‌توان گفت نعمتی به او داده شد؛ اما رحمت و مهربانی در اینجا، به کار برده نمی‌شود (عسکری، ۱۴۱۲ق: ۲۵۳)

### ۳-۲-۴ «عطاء»

به گفته صاحب التحقیق اصل در این ماده دادن شیء در مقابل چیزی است به مقتضای آنچه در نفس وجود دارد. مانند روح بخشندگی، سخاوت و ایثار و... بنابراین دو قید در اعطاء مد نظر است: ۱. ایتاء ۲. اقتضاء النفس (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ج ۸، ۱۷۳). اما قرشی معتقد است، «عطاء» و «عطیه» هر چند مخصوص به صله و بذل و احسان است، ولی در قرآن هم در بذل و هم در مطلق دادن چیزی استعمال شده است. مثل: «حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» (توبه، ۲۹) که در مطلق دادن است (قرشی، ۱۳۷۱ش: ج ۵، ۱۷). در تفاوت میان اعطاء و هبه بیان شده است که آنچه در اعطاء مهم است ایصال و اتصال شیء به دریافت کننده آن است از هر راهی که باشد؛ اما در هبه اقتضای تملیک وجود دارد و زمانی که شیئی را به کسی هبه می‌کنند گویا به ملک او در می‌آورند. (عسکری، ۱۴۰۰ق: ۱۷۱).

### ۳-۴. جمع بندی اشتراکات معنایی

فضل: همانطور که بیان شد؛ «فضل» به مفهوم فزونی، برتری و مقدار زاید بر میزان معمول است. عنایتی بیش از نیازهای اولی و فراتر از استحقاق انسان است. بنابراین نعمت زیاده بر حد نیاز یا استحقاق را می‌توان فضل نامید که جمیع فضیلت‌ها زیر مجموعه‌ی آلاء پروردگار قرار می‌گیرد.

احسان: واژه‌ی «احسان» از ریشه‌ی حسن، بیانگر هر شیء نیکو، انجام کار نیکو و یا انجام فعل به صورت نیکو می‌باشد. بنابراین احسان می‌تواند ابزاری برای نعمت باشد از این جهت که دادن نعمت به نیکویی انجام شود یا نعمت نیکویی داده شود و آلاء دربرگیرنده‌ی هر احسانی است.

رحمت: «رحمت» عبارت است از تفضل و مهربانی به کسی که نیازمند است. قید نیاز مخاطب در تحقق معنای رحمت آمده است، اما در نعمت چنین شرطی وجود ندارد و دادن شیء به غیر نیازمند نیز نعمتی در حق او محسوب خواهد شد.

اعطاء: دادن شیء در مقابل چیزی است به مقتضای آنچه در نفس وجود دارد. مانند روح بخشندگی، سخاوت و ایثار و... بنابراین دو قید در اعطاء مد نظر است: ۱. ایتاء ۲. اقتضاء النفس. در اعطاء نظر به جهت دادن آن است که از طرف پرداخت کننده با دو قید محقق می‌شود. اما نعمت هر آن چیزی است که آرامش و سعادت انسان را تضمین کند و می‌تواند عذاب یا بلاء نیز باشد.

نعمت و آلاء: «نعمت» به معنای منفعتی است که به انسان رسیده و مجموعه‌ی اموری



است که موجب آرامش جسم و روح در دنیا و سبب سعادت ابدی انسان در آخرت می‌شود. «نعمت» بر وزن «فعلت» بیانگر مجموعه‌ی حالاتی همچون؛ آسایش، حسنه و نیکی بوده که مصادیق مادی و معنوی دارد. اما «آلاء» تنها به صورت جمع در قرآن آمده و مفرد آن در قرآن ذکر نشده‌است. این خود نشانگر آن است که یک نعمت را آلاء نمی‌گویند؛ بلکه آلاء در برگیرنده‌ی مجموعه‌ی نعمت‌های الهی است. در نعمت تنها نظر به خود نعمت از جنبه‌ی مادی یا معنوی، ظاهری یا باطنی و... می‌باشد. اما در آلاء علاوه بر عمومیتی که دارد و شامل همه‌ی اقسام و مصادیق نعمت می‌شود؛ بیانگر صفت قدرت خداوند نیز می‌باشد.

#### ۴. نتیجه‌گیری

۱. با توجه به مصادیق آلاء در سوره‌ی الرَّحْمَن، اعم بودن این کلمه نسبت به نعمت فهمیده می‌شود. به این معنا که آلاء در برگیرنده‌ی نهایت رحمت و عطوفت از جانب پروردگار است که نعمت‌های مادی - معنوی و ظاهری - باطنی را در بر می‌گیرد.
۲. در نعمت تنها نظر به خود نعمت از جنبه‌ی مادی یا معنوی، ظاهری یا باطنی و... می‌باشد؛ اما در آلاء علاوه بر عمومیتی که دارد و شامل همه‌ی اقسام و مصادیق نعمت می‌شود؛ بیانگر صفت قدرت خداوند نیز می‌باشد. مویذ این معنا مصادیقی است که در سوره‌ی الرحمن بیان شده و حکایت‌گر قدرت و تسلط خداوند بوده و با این حال در استفهام انکاری، خداوند به جای واژه‌ی نعمت، واژه‌ی آلاء را به کار برده‌است.
۳. اشتراکات مفهومی نعمت و آلاء با فضل، احسان، رحمت و اعطاء می‌باشد. نعمت زیاده بر حدّ نیاز یا استحقاق را می‌توان فضل نامید که جمیع فضیلت‌ها زیر مجموعه‌ی آلاء پروردگار قرار می‌گیرد. احسان می‌تواند ابزاری برای نعمت باشد؛ از این جهت که دادن نعمت به نیکویی انجام شود یا نعمت نیکویی داده شود و آلاء دربرگیرنده‌ی هر احسانی است. قید نیاز مخاطب در تحقق معنای رحمت آمده‌است، اما در نعمت چنین شرطی وجود ندارد و دادن شئی به غیر نیازمند نیز نعمتی در حق او محسوب می‌شود. در اعطاء نظر به جهت دادن آن است که از طرف پرداخت کننده با دو قید محقق می‌شود؛ اما نعمت هر آن چیزی است که آرامش و سعادت انسان را تضمین کند و می‌تواند عذاب یا بلاء نیز باشد.

## کتابنامه

- قرآن کریم
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ق): *روض الجنان و روح الجنان*، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- ابن انباری، محمد بن قاسم، (۱۳۷۵ق): *کتاب الاضداد*، چاپ دوم، بیروت، مکتبه المصریه.
- ابن اثیر، (۱۳۶۴ق): *النهایه فی غریب الحدیث*، قم، موسسه اسماعیلیان.
- ابن سکیت، یعقوب بن اسحاق، (۱۹۱۲م): *الاضداد*، المطبعه الکاتولیکیه.
- ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله، (۱۴۰۴ق): *الشفاء (الالهیات)*، قم، مکتبه آیه الله مرعشی.
- ابن عاشور، محمد بن الطاهر، (۱۹۸۴م): *التحریر والتنویر*، تونس، الدار التونسیه للنشر.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲ق): *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن درید، محمد بن حسن، (۱۹۸۸م): *جمهره اللغه*، بیروت، دار العلم للملایین.
- ابن فارس، ابوالحسین، احمد، (۱۴۰۴ق): *معجم مقاییس اللغه*، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، (۱۴۱۱ق): *تفسیر غریب القرآن*، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
- أزهري، أبو منصور محمد بن احمد، (بی تا): *تهذیب اللغه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق): *انوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- بنت الشاطی، عایشه، (۱۳۷۶ش): *اعجاز بیانی قرآن*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ثعلبی، حسین بن احمد، (۱۴۲۲ق): *الکشف و البیان*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- جعفری، یعقوب، (۱۳۷۶ش): *«دشواری کلمات مترادف در قرآن»*، مجله ترجمان وحی، ش ۲.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷): *صیاح اللغه*، بیروت، دارالعلم.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵): *تفسیر نور الثقلین*، چاپ چهارم، قم، اسماعیلیان.
- خوبی، ابوالقاسم، (۱۴۳۰): *البیان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه ای آثارالامام الخوئی.
- دینوری، عبدالله بن محمد، (۱۴۲۴): *الواضح فی تفسیر القرآن الکریم*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- راغب اصفهانی، (۱۴۱۲ق): *حسین، مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم.
- ربانی، محمد حسن، (۱۳۷۹ش): *«ترادف در واژه های قرآن»*، پژوهش های قرآنی، ش ۲۳ و ۲۴.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۸۷ش): *منطق تفسیر قرآن ۲*، قم، انتشارات جامعه المصطفی.
- زبیدی، مرتضی، (۱۳۹۷): *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالهدایه.
- زرکشی، بدر الدین محمد، (۱۳۷۴): *البرهان فی علوم القرآن*، قاهره، دار احیاء الکتب.
- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷): *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العربی.
- سمرقندی، نصر بن محمد، (۱۴۱۶ق): *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، لبنان، دارالفکر.
- سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۴): *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شرتونی، سعید، (۱۹۹۲): *أقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد*، بیروت، مکتبه لبنان.
- شریعتمداری، جعفر، (۱۳۷۵): *شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه*، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- صاحب، اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴ق): *المحیط فی اللغه*، بیروت، عالم الکتب.
- صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم شیرازی، (۱۹۸۱م): *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طالقانی، محمود، (۱۳۶۰ش): *پرتوی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- طباطبائی، محمد حسین، (۱۴۱۷ق): *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش): *مجمع البیان*، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق): *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.

- طوسی، محمد بن حسن، (بی تا): التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طریحی، فخر الدین، (۱۳۷۵ش): مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- عبدالباقی، محمد فؤاد، (۱۴۰۸م): المعجم المفهرس، بی جا، دار الجیل.
- عبد التواب، رمضان، (۱۳۷۶ش): مباحثی در فقه اللغة و زبان شناسی عربی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- عسکری، ابوهلال، (۱۴۰۰ق): الفروق اللغویة، بیروت، دارالافتاح الجدیدة.
- فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰م): التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فراهی، عبد الحمید، (۲۰۰۲م): المفردات القرآن، دار الغرب الاسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹م): العین، چاپ دوم، نشر هجرت، قم.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۱۸م): الأصفی فی تفسیر القرآن، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی.
- فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ق): المصباح المنیر، مؤسسه‌ی دار الهجرة، قم، چاپ دوم.
- قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱ش): قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ش): جامع الاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- قشیری، عبدالکریم بن هوزن، (۲۰۰۰م): لطائف الاشارات، مصر، الهيئة المصریة العامه للکتاب.
- ماتریدی، محمد بن محمد، (۱۴۲۶م): تأویلات أهل السنة، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸ش): التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۷ش): مجموعه آثار، بی جا، صدرا.
- مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳م): تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴م): تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مکی، ابن حموش، (۱۴۲۹ق): الهدایه الی بلوغ النهایه، شارجه، جامعه الشارقة، کلیه الدراسات العليا و الحث العلمی.
- میدی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱ش): کشف الاسرار و عده الابرار، چاپ ۵، تهران، امیر کبیر.
- نکونام، جعفر، «ترادف در قرآن کریم» مجله پژوهش دینی، ش ۱۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## Bibliography

- The Holy Quran
- Abulfatuh Razi, Hossein bin Ali, Ruz al-Jinnan and Ruh al-Jinan, Mashhad, Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation, 1408 AH.
- Ibn Anbari, Muhammad Bin Qasim, Kitab al-Azdad, second edition, Beirut, Al-Masriya School, 1375 AH.
- Ibn Athir, Al-Nahaye fi Gharib al-Hadith, Qom, Ismailian Institute, 1364 AH.
- Ibn Sakiit, Yaqub Ibn Ishaq, Al-Azzadad, Al-Mattabah Al-Kathouliekieh, 1912 AD.
- Ibn Sina, Abu Ali Hossein bin Abdullah, al-Shafa (Theology), Qom, School of Ayatollah Marashi, 1404 AH.
- Ibn Ashour, Muhammad Ibn al-Tahir, Al-Tahrir Waltonweer, Tunis, Al-Dar Al-Tunsiyah publishing house, 1984.
- Ibn Atiyah, Abdul Haq bin Ghalib, the editor of al-Awjiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz, Beirut, Dar al-Kutub Al-Elamiya, 1422 A.H.
- Ibn Darid, Muhammad Bin Hasan, Jamhara Al-Lagheh, Beirut, Dar-e-Alam Lal-Mulayin, 1988.
- Ibn Faris, Abul-Hossein, Ahmad, Ma'jam Maqais al-Lagheh, Qom, School of Al-Alam al-Islami, 1404 AH.
- Ibn Qutiba, Abdullah bin Muslim, Tafsir Gharib al-Qur'an, Beirut, Dar and Al-Hilal School, 1411 AH.
- Azhari, Abu Mansour Muhammad bin Ahmad, Tahdhib al-Lagheh, Beirut, Dar Ihya al-Tarath al-Arabi, Beta.
- Beydawi, Abdullah bin Omar, Anwar al-Tanzir and Asrar al-Tawail, Beirut, Dar Ihya al-Trath al-Arabi, 1418 AH.
- Bint al-Shaati, Ayesha, Ejaz Bayani Qur'an, Tehran, Scientific and Cultural Publishing Company, 1376.
- Thaalbi, Hossein bin Ahmad, Al-Kashf and Al-Bayan, Beirut, Dar Ihya Al-Tarath al-Arabi, 1422 AH.
- Jafari, Yaqoub, "Difficulty of synonymous words in the Qur'an", Journal of Translation of Revelation, Vol. 2, 1376.
- Johri, Ismail bin Hammad, Sahah al-Lagheh, Beirut, Dar al-Alam, 1407 AH.
- Hawizi, Abdul Ali bin Juma, Tafsir Noor al-Saghaleen, 4th edition, Qom, Ismailian, 1415 A.H.
- Khoei, Abu al-Qasim, Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Qom, Imam Al-Khoei Works Revival Foundation, 1430 AH.
- Dinouri, Abdullah bin Muhammad, al-Hashar in Tafsir al-Qur'an al-Karim, Beirut, Dar al-Kutub Al-Elamiya, 1424 AH.
- Ragheb Esfahani, Hossein, Mafradat Fajad al-Qur'an, Beirut, Dar al-Qalam, 1412 AH.
- Rabbani, Mohammad Hassan, "Synonyms in the words of the Qur'an", Qur'anic Researches, Vol. 23 and 24, 1379.
- Rezaei Esfahani, Muhammad Ali, Logic of Qur'an Interpretation 2, Qom, Jamia Al-Mustafi Publications, 1387.

- Zubeidi, Morteza, Taj al-Arus Man Javaher al-Qamoos, Beirut, Dar al-Hidayeh, 2017.
- Zarakshi, Badr al-Din Muhammad, al-Barhan fi Ulum al-Qur'an, Cairo, Dar Ahya al-Katb, 1374 AH.
- Zamakhshri, Mahmoud bin Umar, Al-Kashf on the facts of Ghawamaz al-Tanzir and the eyes of al-Qawil in the interpretations, third edition, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi, 1407 AH.
- Samarqandi, Nasr bin Muhammad, Tafsir al-Samarqandi al-Masimi Bahr al-Uloom, Lebanon, Dar al-Fikr, 1416 AH.
- Siyuti, Jalal al-Din, Al-Dar al-Manthor fi Tafsir al-Mathor, Qom, Ayatollah Murashi Najafi Library, 1404 AH.
- Sheratuni, Saeed, the closest sources in Passover Al-Arabiya and Al-Shaward, Beirut, Lebanese School, 1992.
- Shariatmadari, Jafar, explanation and interpretation of the words of the Qur'an based on the sample interpretation, Mashhad, Astan Quds Razavi Printing and Publishing Institute, 1375.
- Sahib, Ismail ibn Abbad, al-Muhait fi al-Lagheh, Beirut, Alam al-Katab, 1414 AH.
- Sadr al-Mutalahin, Muhammad bin Ibrahim Shirazi, Al-Hikma al-Muttaaliyyah fi al-Asfar al-Uqliyyah al-Arbaeh, Beirut, Dar Ihya al-Tarath al-Arabi, 1981.
- Taleghani, Mahmoud, Partoi ez Qur'an, Tehran, Publishing Company, 1360.
- Tabatabaei, Mohammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, 5th edition, Qom, Islamic Publishing House of the seminary. 1417 A.H.
- Tabarsi, Fazl bin Hassan, Majma al Bayan, third edition, Tehran, Nasser Khosro, 1372.
- Tabari, Muhammad bin Jarir, Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut, Dar al-Marifah, 1412 AH.
- Tousi, Muhammad bin Hassan, al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut, Dar Ihya al-Tarath al-Arabi, Bita.
- Tarihi, Fakhruddin, Majma Al-Baharin, Tehran, Mortazavi bookstore, 1375.
- Abd al-Baqi, Muhammad Fouad, Al-Mu'jam al-Mufhars, Bija, Dar al-Jeil, 1408 AD.
- Abd al-Tawab, Ramadan, Discussions in Arabic jurisprudence and linguistics, Mashhad, Astan Quds Razavi, 1376.
- Askari, Abu Hilal, al-Farooq al-Laghuyeh, Beirut, Dar al-Afaq al-Jadideh, 1400 AH.
- Fakhr Razi, Muhammad bin Omar, al-Tafseer al-Kabir (Mufatih al-Ghaib), Beirut, Dar Ihya al-Tarath al-Arabi, 1420 AH.
- Farahi, Abdul Hamid, Al-Mufardat al-Qur'an, Dar al-Gharb al-Islami, 2002.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad, Al-Ain, second edition, Hijrat Publishing House, Qom, 1409 AH.
- Faiz Kashani, Muhammad bin Shah Mortaza, Al-Asfi fi Tafsir al-Qur'an, Qom, Al-Nashar al-Taabi Publishing House, 1418 A.H.
- Fayoumi, Ahmad bin Muhammad, Al-Masbah al-Munir, Dar al-Hijrah Institute, Qom, second edition, 1414 AH.
- Qureshi, Ali Akbar, Quran Dictionary, 6th edition, Tehran, Dar Al Kitab al-Islamiya, 1371.

- Qurtubi, Muhammad bin Ahmad, Jame Al-Ahkam al-Qur'an, Tehran, Nasser Khosrow, 1364.
- Qoshiri, Abdul Karim bin Hawazen, Lataif al-Asharat, Egypt, Al-Masriy Al-Aaaaa l-Katab, 2000 AD.
- Matriddi, Muhammad bin Muhammad, Tawilat Ahl al-Sunnah, Beirut, Dar al-Kutub al-Alamiyyah, 1426 A.H.
- Mostafavi, Hassan, Al-Taghiq in the words of the Qur'an, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance, 1368 AH.
- Motahari, Morteza, collection of works, Bija, Sadra, 1377.
- Muqatil bin Suleiman, Tafsir of Muqatil bin Suleiman, Beirut, Dar Ihiya al-Turath al-Arabi, 1423 AH.
- Makarem Shirazi, Nasser, Tafsir al-Nashon, Tehran, Dar al-Katb al-Islamiya, 1374.
- Makki, Ibn Hamoush, Al-Hudayah to Al-Balogh Al-Nahiyah, Sharjah, Jamia Al-Sharqa, All Studies of Al-Alia and Al-Hath Al-Alami, 1429 AH.
- Maybadi, Ahmad bin Mohammad, Kafsh al-Asrar and Kit al-Abrar, 5th edition, Tehran, Amir Kabir, 1371.
- Nekonam, Jafar, "Synonyms in the Holy Qur'an", Journal of Religious Research, No. 12.

